



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۲/۱۰/۳۱

یونس نگاه

دُم دارایی‌های زورمندان «جمهوری» زیر پای قوماندانان طالب

طالبان از کارت دارایی مخالفان، بهره تبلیغاتی و مالی بسیار برده‌اند. در دوران جمهوری اسلامی، طالبان به تدریج حاکمیت خود را بر شاهراه‌ها و مسیرهای ترانزیتی توسعه دادند. آنان کنترل ولسوالی‌ها و مراکز ولایات را در اولویت کار خود نداشتند و شریان‌های اقتصادی کشور را هدف قرار می‌دادند. در سال‌های پایانی جمهوریت، اکثر شاهراه‌ها و جاده‌های عمومی بین ولایات در کنترل یا تیررس طالبان بود. آنان، از این طریق مالیات و باج‌های سنگین می‌گرفتند. برای عبور مصون نیروهای خارجی، اموال و افراد دولتی، شرکت‌های خصوصی و موترهای لوجستیکی و مسافربری به فرماندهان طالب پول پرداخته می‌شد. با گذشت زمان، طالبان در شهرها و مراکز ولایات و ولسوالی‌ها که در رسمیات زیر نفوذ دولت جمهوری اسلامی بود، نیز شبکه‌های مالی خود را توسعه دادند. آنان از شرکت‌های متوسط و بزرگ، افراد متمول، تاجران، سرمایه‌گذاران و سیاستمداران دخیل در زدوبندهای اقتصادی، باج می‌گرفتند. طالبان در مواردی نقش پولیس مخفی و محافظان منافع شبکه‌های اقتصادی مافیایی را بازی می‌کردند و به آن‌ها «خدمات امنیتی» عرضه می‌کردند. در واقع، در زیر پوست سیاست، اقتصاد و حکومت‌داری روابط وسیع بین طالبان و غیرطالبان برقرار شده بود و این امر سبب شده بود که ترس سیاسی از طالبان میان زورمندان و صاحبان پول و چوکی کاهش یابد. بیشتر آنان متوجه شده بودند که طالبان هم مشغول «تجارت» اند، انتحاری می‌فروشنند، در زدوبندهای مالی و مافیایی سهم می‌گیرند، امنیت شرکت‌ها و افراد را تامین می‌کنند، در تشبثات اقتصادی شریک می‌شوند و در بدل پول آدم می‌کشند یا با گرفتن پول از کشتن صاحبان پول و چوکی دوری می‌جویند.

شرکت‌های تجارتي و سرمایه‌گذارانی که مشغول پول‌شویی، دادوگرفت با مافیای مالی، تریاک و ترور بودند، در افغانستان آن روز به ندرت اختطاف و ترور می‌شدند، به ندرت آرامش و مصونیت‌شان خدشه‌دار می‌شد و کابل برای‌شان بهشت مالی‌ای بود که تفاوت چندان با دبی و کراچی یا سنگاپور نداشت. کابل بازار پردرآمدی بود با قواعد و ویژگی‌های خودش که بازیگران آن بازار طی سال‌ها «کار» و معامله در شناخت آن قواعد مهارت یافته بودند و می‌دانستند چگونه در محیط آشوب‌زده و پرخطر بوجی‌های دالر را تاوبالا کنند.

ما دو افغانستان داشتیم؛ یکی آن‌که در رسانه‌ها می‌دیدیم و اکثریت مردم در آن زنده‌گی می‌کردند و دیگری افغانستان مهمان‌خانه‌ها، هتل‌ها، بازارها، و معاملاتی که از چشم عموم پنهان بود. در افغانستان عمومی طالبان دشمن بودند، سربازان با آنان می‌جنگیدند، کودکان از آنان می‌ترسیدند و خانواده‌ها اخبار را تعقیب می‌کردند تا از چنودچون مبارزه با تروریسم خبر شوند. در افغانستان تجارت و معاملات مالی اما طالبان شماره تلفن داشتند، مولوی صاحبان و حاجی صاحبان بودند، شماره‌های حساب بانکی معرفی می‌کردند، آدرس صرافی داشتند، در تعیین افراد به شرکت‌ها و ادارات فرمایش می‌دادند و از آن‌ها برای انتقال کالا، حفاظت جان و اموال فرمایش دریافت می‌کردند.

این دوگانه‌گی، در سقوط دولت نیز نقش داشت. برای آنانی که در افغانستان عمومی می‌زیستند، سقوط تعجب‌آور بود؛ برای سربازان و جنرال‌هایی که در حاشیه بودند، سقوط فاجعه می‌نمود؛ برای تحصیل‌کرده‌گان و سیاستمداران و فعالان فرهنگی که مشغول پروردن آرمان‌های دموکراتیک بودند، آن سقوط تراژیک بود؛ اما برای مالداران، شرکت‌داران، صاحبان احزاب و تنظیم‌ها و شبکه‌داران سیاسی و تجاری سقوطی وجود نداشت؛ کوچ‌کشی و تحولی بود که زیاد پرخطر به نظر نمی‌رسید. چون آن طرف را نیز خوب می‌شناختند و میان آنان دوستان و هم‌پیمانان، معاش‌بگیران و مولوی صاحبان داشتند. نرمشی که زورمندان در برابر طالب نشان دادند و سکوتی که ماه‌ها بعد از سقوط بر محیط زورمندان و پول‌داران دوران جمهوریت حاکم بود و امیدی که هنوز آنان برای برگشت به سر دارایی و املاک خود دارند، ریشه‌ای و سابقه‌دار است.

طالبان وقتی برگشتند، خلاف تبلیغات وسیعی که علیه فساد مالی و سیاسی دوران جمهوریت می‌کردند، با فسادپیشه‌گان هیچ برخورد جدی نکردند. املاک «دشمنان» خود را ضبط نکردند. قوماندانان طالب به حافظان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له لیرولو مخکې په خبر و لولی

منافع زورمندان جمهوری بدل شدند، دسته‌دسته به خانه‌ها و املاک «بزرگان» جمهوریت ریختند و به کار حفاظت از آن املاک پرداختند. امروز در سراسر افغانستان قوماندانان طالب از وزیران، رهبران، قوماندانان و دیگر زورمندان صاحب دارایی و ملکیت‌های قیمتی در بدل حفاظت دارایی‌ها معاش ماهوار می‌گیرند. در رسانه‌های اجتماعی گاهی اتهاماتی علیه برخی رهبران و زورمندان دوران جمهوری مطرح می‌شود و در مواردی منتقدان و پول‌داران تبعیدی جمهوریت از طالبانی که مشغول نگهداری املاک آنان هستند، به نیکویی یاد می‌کنند.

بار سنگین دارایی‌ها و املاک منتقدان و زورمندان دوران جمهوریت، کارتی مهم در دست طالبان است. طالبان با آن کارت، مانع تحرک منتقدان و رهبران می‌شوند، و این «رهبران» با سکوت، طرح برنامه‌های انحرافی و خلق امیدهای واهی برای شکل‌گیری حکومت همه‌شمول، مانع انسجام نیروهای ضدطالب می‌گردند. سکوت و لحن نرم اشرف غنی در برابر طالبان نیز ریشه در منافع شخصی او دارد. او و خانواده‌اش کوشیده‌اند با کرنش و نیز تملق و تماس با طالبان، دارایی‌های میلیونی خود را در افغانستان حفاظت کنند. حشمت‌غنی احمدزی، برادر اشرف غنی که زمانی در یک جنگ زرگری خود را مخالف سیاسی برادرش می‌خواند و اشرف غنی نیز او را دیوانه خطاب می‌کرد، اکنون در رسانه‌ها به نمایندگی از برادرش سخن می‌گوید. اشرف غنی اگر آن دارایی‌های بسیاری را نمی‌داشت، شاید به جای اتکا بر برادر «دیوانه» و تملق به طالبان، در این یک سال و چند ماه چون رهبر سیاسی ظاهر می‌شد و کنار میلیون‌ها هموطنی می‌ایستاد که از فروپاشی رژیم، پایین شدن بئرق، لغو سرود ملی، لغو قانون اساسی، مسدود شدن مکاتب، فروپاشی بازارها، کوچ دسته‌جمعی نیروی بشری ماهر، تخریب سیستم تحصیلی و بسته شدن دریچه‌های آزادی به جان رسیده‌اند. از سخنان حشمت‌غنی می‌توان استنباط کرد که غنی‌ها را طالبان از طریق دارایی‌هایشان گروگان گرفته‌اند.

حشمت‌غنی در کلیپ ویدیویی که تازه در رسانه‌ها نشر شده، از «بزرگان معزز طالبان» گلّه دارد که ابراهیم حقانی، عضو ارشد شبکه حقانی و کاکای سراج‌الدین حقانی، خانه شخصی اشرف غنی را غصب کرده و با وجود تقاضای مکرر او [حشمت غنی]، آن خانه را تخلیه نکرده است. حشمت غنی با لحن تضرع می‌گوید برادرش «مشر» کشور بوده و خانواده‌اش در پکتیای بزرگ هزارسال سابقه دارند. یادآوری نام پکتیای بزرگ و اتصال خانواده‌اش به آن هویت، سیاست تضرع و کرنش برای حفظ دارایی‌ها است، ورنه پکتیایی و لوگری بودن چیزی نه بر حقانیت کسی می‌افزاید و نه چیزی از آن می‌کاهد.

حشمت‌غنی در آن فایل تصویری می‌گوید که او و خانواده‌اش تازه در کشور پیدا نشده‌اند و حق کسی را نیز نخورده‌اند. در ادامه یادآور می‌شود که ابراهیم حقانی به ارزش میلیون‌ها دالر جایداد در پاکستان دارد. این بخش از سخنان آقای حشمت‌غنی گوشه‌ای از مجالس زورمندان «جمهوری» و طالب را برملا می‌سازد و این‌که در دیدارهای آنان چگونه سخن اصلی از دارایی‌ها و املاک است، نه دین و دموکراسی یا مکتب و آزادی. حشمت‌غنی می‌گوید از زبان ابراهیم حقانی شنیده است که در پاکستان دارایی‌های بسیار دارد. در واقع آنان در دیدارها، پول و امکانات هم‌دیگر را تول‌وترازو می‌کنند، از مشارکت‌های مالی و تجارتي سخن می‌گویند، از داشته‌های هم‌دیگر تمجید می‌کنند و احتمالاً وعده همکاری و معامله می‌دهند.

خانه بزرگ و قصر اشرفی اشرف غنی، در کشور فقیر و گرسنه ما، به تنهایی سند ننگ و درس عبرت بزرگ است. به تاریخ دوم قوس ۱۳۹۴، اداره عالی مبارزه با فساد اداری فهرست دارایی‌های اشرف غنی را که رئیس جمهور شده بود، نشر کرد. در آن سند اشرف غنی و رولا غنی صاحب ۴,۷ میلیون دالر دارایی منقول (طلا و موتر و پول نقد) خوانده شده بودند که بیشتر آن گویا زیورات رولا خانم بوده است. خانه‌ای که اکنون ابراهیم حقانی قبضه کرده، نیز در آن سند درج است. آن خانه کدام حویلی یا آپارتمان نیست و عنوان خانه برای آن ملک، فریب‌دهنده است. قصر اشرف غنی، در دارالامان کابل، چهار جریب و ۳۰۰ متر مربع مساحت دارد و در سال ۱۳۹۴ ارزش آن ۵,۲۲ میلیون دالر محاسبه شده بود. اشرف غنی در آن سال به ارزش ۱,۵ میلیون دالر موتر نیز داشت و آن‌گونه که در افغانستان معمول است، چیزی که در فورمه‌ها ثبت می‌شود، معمولاً به نوک کوه یخی می‌ماند که در درون دریای فساد، زدوبند و معاملات سیاه پنهان است. از سال ۱۳۹۴ به بعد اشرف غنی رئیس جمهور دولتی بود که در آن فقیرترین مردم جهان که بیشترشان روزانه کمتر از یک دالر عاید داشتند، سالانه دو میلیارد دالر رشوت می‌دادند، چوکی‌های رسمی خرید و فروش می‌شد، گمرک‌ها را زورمندان قبضه می‌کردند و چورکان وحشتناک جریان داشت. مقدار املاک و دارایی‌های خانواده غنی را که طالبان گروگان گرفته‌اند، باید بسیار بیشتر از آن خانه پنج میلیون دالری باشد.

قدرت‌مندان و رهبران دوران جمهوریت تا فرق سر زیر بار «دارایی» غرق‌اند و اکنون هر قوماندان طالب بر یکی از غندی‌های «اموال و دارایی‌های شخصی» آنان نشسته و هم «حق» می‌گیرند و هم نبض سیاسی آنان را کنترل می‌کنند.